سیاق

[1]ببینید کلمات، دلالت لفظی دارند.ات این کلمات از مفرد در نیایند و جمله نشوند، ظهور تصدیقی محقّق نخواهد شد. خب، هر چه سامان‌دهیِ‌مفردات، بیشتر باشد؛جمله طولانی‌تر باشد، زمینه‌ی کاشفیّتش از مراد گوینده بیشتر است. حالا اگر آمد، جملات هم به آن اضافه شد. یک جمله، ۲ تا جمله شد. ۵ تا جمله شد چه می‌شود؟ زمینه‌ی کاشفیت، اقوی می‌شود. یعنی انسان با دل جمعتری به گوینده نسبت می‌دهد که مرادش این است، این محدوده‌ی کمّیِ‌الفاظ.

کیفیّت را هم به آن اضافه کنید. یعنی الفاظی باشد که محفوف باشد به قرائن حالیّه؛ منظور من از حالیه، حتی منطقیّه هم هست، تناسب حکم و موضوع هم هست. صرفِ‌حالِ‌شخصی‌ِگوینده نیست. مطالبی هم که ابراز می‌کند، شما از تناسبِ‌مطالبِ‌او خیلی چیزها می‌فهمید. هر چه هم بیشتر مطلب می‌آورد از تناسب مؤلّفه‌های مراد او و گفتار او منطقیاً، خیلی چیزها را کشف می‌کنید.

وقتی یک الفاظی کمّش بالا برود و کیفیتش هم بالا باشد-یعنی محفوف باشد به یک قرائنی که در کاشفیت مراد متکلم قوی است- شما یک چیزی پیدا می‌کنید به نام سیاقِ‌قابل گسترش؛می‌گویید **سیاق کلام**.

سیاق، یک عنصر بسیار مهمی است در کشف مراد متکلم. اصالاً گاهی می‌بینید وقتی درست سیاق را نگاه می‌کنید، یک جمله‌ی منفرد، کلاً معنایش عوض می‌شود.مجازِ‌لفظیِ‌معروف، همین است. شما می‌گویید رأیت اسداً، بعد می‌گویید یرمی. تا یرمی را می‌آوردی معنای مفردِ‌اسد تغییر کرد.

اقوائیّت سیاق در کشف مراد گوینده

خب حالا سیاق چه کار کرده؟ چرا سیاق در کشف اقوی است؟ببینید هر چیز اگر یک بُعد داشته باشد، سیاق می‌آید ۲، ۳، ۴ بُعد به آن می‌دهد. جدول[2]، با ردیف و ستون فرق دارد. ردیف و ستون، یک خط است. اما جدول، دو بعدی است. یعنی یک خانه‌ی جدول، **یک** حرف نمی‌زند، دو چیز او را پدید آورده است. می‌گویید ۴×۶، این شده است. همه ۶ بوده، همه ۴ بوده، همه عمل ضرب بوده است؛ این مهم است.

حالا همین جدول را سه بعدی در نظر بگیرید. یک مکعب در نظر بگیرید، ده در ده در ده. چند تا خانه می‌شود؟ این مکعب الآن هر خانه‌اش، سه چیز است؛ آن هم با یک عمل خاص. گاهی می‌توانید ترکیبی کنید: این ضرب در آن، به اضافه‌ی آن سومی. چقدر فرق می‌کند! یعنی بدون این‌که بفهمید کلامِ صاحبِ‌سیاق، یک مکعب با سه محور، به دست ذهن شما می‌دهد. وقتی مکعب می‌دهد، وقتی به یک خانه مکعب متوجه می‌شوید، شما سه چیز را، فطرت خودتان، سه چیز را در نظر می‌گیرد با آن عملی که هر کدام جدا می‌توانند داشته باشد. دو تا دو تا رابطه دارند. این ضرب در آن، امّا به اضافه‌ی سومی. این ضرب در او، تقسیم بر سومی.

---

[1] بُرشی از «ارتکاز متشرعه»

[2] جدول، ابزاری است برای دسته‌بندی اطلاعات به صورت سطرها و ستون‌ها. کاربرد جدول در ارائه اطلاعات علمی و فنی بسیار گسترده و رایج است.

پایه‌ای‌ترین نوع جدول آن است که در آن اطلاعات در سطرها و ستون‌هایی سامان داده شده است. این نوع جدول را «جدول دو بعدی» نیز می‌گویند. جای تقاطع سطر و ستون را یک خانه از جدول می‌نامد. انواع دیگری از جدول نیز به کار می‌رود’ مانند جدول‌های چند بعدی و جدول‌های توتو که هر خانه‌ی آن، جدول دیگری است.(سایت ویکی پدیا)

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مارس 2025 15:35:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مارس 2025 15:35:59 توسط ... .